

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical	تاریخی
------------	--------

علامه روانشاد، استاد احمد علی کهزاد
فرستنده: "بنیاد فرهنگی کهزاد"

گارد سلطنتی غزنویان

امروز همه جا در تمام کشورهای شرق و غرب بدون تفریق نوعیت زمامداری رؤسای شاهی و جمهوری همه (گارد) دارند که بنا بر عرف و سلیقه نام، طرز لباس و اسلحه آنها مختلف است. در شرق علی العموم که رژیم های سلطنتی سوابق چندین هزار ساله دارد، موضوع (گارد) سلطنتی هم دارای سوابقی است بسیار قدیم و در دوره هخامنشی، موریان، هان ها، سامی ها، کوشانی ها همه جا در ایران و هند و چین و خراسان و افغانستان قدیم به گارد یا دسته محافظ شاهی بر میخوریم.

روی همین سوابق دیرینه سلاطین غزنوی هم از خود دسته های محافظ سلطنتی داشتند. دو تن از سلطان های بزرگ غزنه یمین الدوله محمود و شهاب الدوله مسعود اول پسرش دارای گارد مجلل و با طنطنه ای بودند که در مآخذ تاریخی و ادبی از آن به تکرار ذکر شده و تعداد و نوعیت لباس و کلاه و سلاح آنها بر ما پوشیده نیست. بعد از کاوش های باستان شناسی لشکرگاه، تصاویر رنگه بزرگ آنها هم بدست آمده که یکی از غنایم بسیار قیمت دار تاریخی بشمار میرود.

واضح است که وظیفه اساسی گارد سلطنتی محافظت شخص سلطان و پادشاه بوده و همین وظیفه ایجاب میکرد تا از نظر تشریفات دسته های گارد مذکور در سفر و حضر در مجاورت و ماحول قریب و در حضور شخص پادشاه یا سلطان حاضر باشند و چون به شخص سلطان یا پادشاه مربوط بودند، منحیت لباس و اسلحه از تمام افراد سپاه زیباتر و مجلل تر بودند و تمام عظمت و شکوه دربار از چهره و لباس و اسلحه ایشان هویدا بود. شبهه ای نیست که نظر به تحولات اوضاع تشریفات گاهی دسته های رساله و پیاده شاهی و گاهی هم محض دسته های تشریفات در کشور ما و در بسا کشور های دیگر قایم مقام (گارد سلطنتی) شده ولی وظیفه ای که امروز این دسته های تشریفات انجام میدهند در سابق و منجمله در عصر غزنویان به عهده همان گارد سلطنتی بود که به نام غلامان سرانی خوبتر شهرت داشتند.

در دوره غزنویان و مخصوصاً در دوره سلطنت محمود و مسعود اول که شهادت متون تاریخی را در دست داریم، (گارد سلطنتی) یا (گارد سلطانی) به صفت (غلامان سرای سلطانی) یاد میشد و افراد آن طبعاً (غلام) به معنای مجرد کلمه نبود، بلکه افراد سپاهی بسیار مجلل و مقرب به دربار بشمار میرفتند.

از روی مآخذ تاریخی که اینجا من باب مثال از تاریخ مسعودی و مؤلف بزرگ آن استاد بیهقی و از طبقات ناصری، نویسنده آن منهاج السراج جوزجانی ذکر می خواهم کرد، واضح معلوم میشود که محمود و مسعود اول غزنوی گارد بزرگی داشتند که تعداد عمومی آن به چهار هزار تن میرسید. این چهار هزار تن به دسته دو هزار نفری تقسیم شده بودند که از نظر لباس و شکل کلاه و وزن کمربند و مخصوصاً نوعیت فلز عمود که از یک دسته زرین و از دسته دیگر سیمین بود، با هم فرق داشتند ولی همه چهار هزار تن به دیبای قشنگ شوستری که در آن وقت ها خیلی معروفیت داشت، ملبس بودند.

از منابع تاریخی واضحاً برمی آید که از این چهار هزار نفر سه صد تن آنها که به گمان غالب زرین عمودان بودند، دسته خاص تری را تشکیل میدادند که در سفر و حضر و مخصوصاً در روزهای دربار به شخص سلطان نزدیک تر بودند و در میان این دسته خاص ۵۰ یا ۶۰ تن دیگر دسته ای بود که آنرا میتوان اخص الخاص خواند و آنها به

مراتب نزدیکتر به شخص سلطان می ایستادند و بگمان غالب در مدخل کوشک های سلطنتی و حتی در داخل تالارهای دربار وظیفه بهره داری به ایشان موکل میشد.

استاد بیهقی در یکی از موارد در سال ۴۲۳ هجری قمری در موقعی که از باریابی ایلچی خلیفه عباسی القائم بالله در کوشک، در عبد الاعلی، در سرای دیلیمیان در بلخ بحضور سلطان محمود بحث میکند، در باب غلامان سرای سلطانی مینویسد:

« ... چهار هزار غلام سرانی در دو طرف سرای امارت، چند دسته بایستادند، دو هزار با کلاه دو شاخ و کمرهای گران ده معالیق، با هر غلامی عمودی سیمین و دو هزار با کلاه های چهارپر بودند و کیش و کمر و شمشیر و شقا و نیم لنگ بر میان بسته و هر غلامی کمائی و سه چوبه تیر بر دست و همگان با قباهای دیبای شوشتری بودند و غلامی سیصد از خاصگان با رسته های صغه نزدیک امیر بایستادند با جامه های فاخر تر و کلاه های دو شاخ و کمرهای زر و عمود زرین و چند تن آن بودند با کمرهای مرصع بجواهر و سپری پنجاه و شصت در بر داشتند در میان سرای دیلیمیان ...»

قاضی منهاج السراج جوزجانی راجع به گارد سلطنتی سلطان محمود مطالبی دارد به این مضمون که عین گفتار بیهقی را تأیید میکند:

« حق تعالی این پادشاه را کرامات و علامات بسیار داده بود و از آلت و عدت و تجمل آنچه او را بود بعد از و هیچ پادشاه را جمع نشد و دو هزار و پانصد پیل بود بر درگاه او و چهار هزار غلام ترک و شاق که در روز بار بر میمنه و میسره تخت بایستادند، دو هزار غلام با کلاه چهارپر و با گرزهای زرین بر راستای او بود و دو هزار غلام با کلاه دوپر با گرزهای سیمین بر چپها ایستادند.» / جوزای ۱۳۳۷ /